

حمله نظامی امریکا، ایران را صد سال به عقب میبرد

دکتر هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز، فعال سیاسی، بنیانگذار سیرا و شورای امریکاییان و ایرانیان (AIC) است که اخیرا از طرف انجمن سخن آزاد برای سخنرانی در باره وضعیت فعلی ایران و احتمال حمله امریکا به موترال دعوت شد. فرصت را غنیمت شمردیم تا با ایشان مصاحبه ای داشته باشیم که در زیر میخوانید.

گفتگو با دکتر هوشنگ امیراحمدی

تهیه و تنظیم: میترا روشن

آقای امیر احمدی ابتدا بگوید که غیر از سازمان شما (AIC) لابیهای ایران در کاخ سفید چه اشخاص یا گروههایی هستند؟ اول اجازه دهید تعریف مشخصی از لابی ارائه کنم. در چهارچوب قوانین امریکا یک نیرو وقتی وارد میدان لابی میشود که لایحه یا قانون مشخصی که در کنگره امریکا مورد رای گیری است را هدف قرار داده و از طرق مختلف بخواهد که رای نماینده یا نمایندگان از کنگره را به نفع نظرات خود عوض کند. بنابراین سازمانی مثل شورای ما که هدف آن آموزش و اطلاع رسانی است، لابی به حساب نمی آید شورای امریکاییان-ایرانیان لابی ایران در کاخ سفید نیست. سازمان ما از لحاظ ساختاری یک سازمان آموزشی است و به ما اجازه فعالیت سیاسی نمیدهد. اتفاقا یکی از مشکلاتی که سازمان ما دارد هم همین برداشت اشتباه است. نه حکومت شاه و نه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه نتوانستند در کاخ سفید برای ایران لابی بسازند. متأسفانه ایران در کاخ سفید یتیم است و هیچ لابی ندارد. در واقع ایران در دنیا یتیم است.

ولی سازمان شما بیش از دهسال است که دارد روی رابطه ایران و امریکا کار میکند؟

بلی ولی رابطه را کشورها ایجاد میکنند، ما فقط سعی داشته ایم که درک درست منطبق با واقعیت از مسائل بین ایران و امریکا بوجود آوریم. برای مثال امریکا میگوید که ایران سلاحهای کشتار جمعی دارد، ما یک جلسه میگذاریم، موافقین و مخالفین صحبت میکنند، سازمان ما خلاصه ای از بحث ها را چاپ میکند و در اختیار بقیه میگذارد. از آن گذشته شورا سیاسی نبوده و برای برنامه های عملی تر جوابگو نیست. بخشی از صحبت های اخیرم در رابطه با مسائل سیاسی ایران بعضی از اعضای امریکایی را نگران کرده و به همین دلیل از سال آینده قصد دارم که ریاست شورا را به دیگران واگذار کنم و خودم وارد فعالیت های سیاسی تر شوم. آنها اعتقاد ندارند که شورا باید وارد مسائل سیاسی داخل ایران شود. بیشترین اعضای شورا میخواهند که ما کماکان روی روابط ایران و امریکا متمرکز شویم.

ریاست شورا را به چه کسی می‌دهید، به امریکاییها؟

احتمالا نه، امریکاییها اگرچه اعضای مهم ما هستند ولی دخالت زیادی در برنامه‌های شورا ندارند. امیدوارم ریاست شورا و سکان آن همیشه در دست ایرانیها بماند.

برخی از گروه‌های سیاسی داخل و خارج از کشور عقیده دارند که رابطه ایران و امریکا در هر صورت رابطه گرگ و بره است و به ضرر ایران تمام میشود. شما چه می‌گویید؟

این حرفها الان دیگر کاربرد ندارد، امریکا یک کشور امپریالیست است. من این را در مصاحبه با رادیو فردا که مال امریکاییهاست هم گفتم. امریکا در خاورمیانه به دنبال منافع خود است، ما هم باید به دنبال منافع خود باشیم. از اینها گذشته ایران و امریکا بیش از مسائل مشترک، منافع مشترک دارند. شما از همین ۱۱ سپتامبر به اینطرف را ببینید، امریکا دو بار به خاورمیانه رفته و جنگیده، هر دو بار هم طرف او دشمنان ایران بوده‌اند. شورای ما تاکنون سعی داشته که روی این منافع مشترک تکیه کند. ناگفته نماند که رابطه ایران و امریکا چیزی که زیاد دارد دشمن است. بسیاری از کشورهایی که در طول ۲۰ سال گذشته از قطع ارتباط ایران و امریکا نفع برده‌اند نیز مخالف آشتی ایران و امریکا بوده و هستند، از اسرائیل گرفته تا ترکیه، عربستان، پاکستان، امارات، سوریه، روسیه و غیره. برخی از این کشورها سالانه میلیونها دلار خرج میکنند تا ارتباط دو کشور به همین وضعیت باقی بماند. ولی در عوض حداقل ۷۵ درصد ملت ایران خواهان این رابطه هستند. بخش وسیعی از ایرانیان خارج کشور نیز رابطه را با شرايطی قبول دارند.

توضیح شما برای دگرگونی‌های اخیر سیاست خارجی امریکا چیست؟

سیاست خارجی امریکا پس از ۱۱ سپتامبر به طور کیفی دو تغییر اساسی کرده است. یکی اینکه قبلا استفاده از سلاحهای اتمی برای امریکا آخرین راه حل بود ولی اکنون آن را از همان ابتدای جنگ مجاز می‌شمرد. دیگر اینکه سیاست خارجی امریکا قبلا این بود که مخالفان بالقوه خود را تحمل میکرد ولی اکنون بطور علنی می‌گوید که سیاست امریکا پیش‌گیرانه است و دیگر حاضر نیست که هیچ قدرتی را حتی بالقوه در مقابل خود نظاره کند مبادا که روزی تبدیل به مخالف او شود. این تغییرات تاکتیکی در سیاست خارجی امریکا بر اساس تغییر در تفکر استراتژیک آن کشور برای کنترل بلامنازع دنیا انجام گرفته است. به دیگر سخن امریکا میخواهد از ابزارهای قدرت نظامی خود برای کنترل سیاسی دنیا استفاده کرده و از این طریق ابرقدرت تنهای جهان باشد.

در مورد محافظه کاران جدید که سیاست خارجی امریکا را در کنترل گرفته اند چه نظری دارید؟

بخشی از آنها را طرفداران حزب لیکود اسرائیل تشکیل میدهند. آنها نیروهایی هستند خشن و جنگ طلب که روی تندرهای ایران و به اصطلاح ما کیهانی‌ها را سفید کرده‌اند! هدفشان هم نابودی نه تنها دشمنان

فعلی آمریکا که مخالفان احتمالی آینده است. آنها بطور علنی حرف از استفاده از سلاحهای اتمی خود میزنند. انگار که تفنگ است! ما و شورا اکنون با چین نیرویی در آمریکا طرف هستیم.

برخورد شما با محافظه کاران جدید و لابی اسرائیل چگونه است؟

ما سعی میکنیم که با آنها صحبت کنیم. خوب دموکراسی همین است دیگر. اتفاقا در جلسه مفصلی که اخیرا داشتیم یکی از همین آقایان طرفدار اسرائیل که مقام مهمی هم در یکی از سازمانهای لابی اسرائیل دارد آمده بود و به طرزی ناجوانمردانه شروع به کوبیدن ایرانیها کرد که اصلا همه تروریست هستند و ...، به محض پایان یافتن حرفهای او دختر ۱۱ ساله من ناگهان از جا برخاست بلندگو را گرفت و فریاد کشید: من با همه حرفهای این مرد مخالفم، ایرانیان مردمان خوبی هستند، ما تروریست نیستیم!

نظر شما در باره وضعیت فعلی رابطه فعلی ایران و آمریکا چیست؟

رابطه ایران و آمریکا اکنون شرائط جدیدی به خود گرفته و حالت نه جنگ و نه صلح که سالها بین دو کشور وجود داشت از بین رفته است. ما باید بین جنگ و صلح یکی را انتخاب کنیم. در واقع سازمان ما سعی دارد بین دو گروه تندرو و جنگ طلب در دو کشور فعالیت کند که کار آسانی هم نیست. ولی برای پیش برد صلح چاره‌ای جز گفتگو، مدارا و دیپلماسی نداریم.

فکر میکنید فعالیت های شما تأثیری هم داشته است؟

من اعتقاد دارم که اگر سازمان ما نبود، ایران قبل از عراق، عراقیزه شده بود. یکی از دلایلی که در ۱۲ سال گذشته آمریکا نتوانست در مورد ایران شدت عمل به خرج دهد همین بود. شورای ما موقعیت‌های بسیار خوبی را برای ایجاد رابطه دیپلماتیک بین ایران و آمریکا بوجود آورد. اینجا اقرار میکنم که ما حتی در متن سخنرانی خانم آبرایت که در کنفرانس مارس ۲۰۰۰ شورا ارائه شد و از رابطه با ایران استقبال میکرد، تأثیر داشتیم! متأسفانه جمهوری اسلامی متخصص از دست دادن فرصت‌های طلایی است. آقای خامنه‌ای فقط به خاطر یک جمله آن سخنرانی که میگفت ما از نیروهای انتخابی (و نه انتصابی) حکومت ایران حمایت میکنیم، همه چیز را بهم ریخت. در تمام این سالها طرفداران ولایت فقیه در کیهان بر علیه من و شورا مطلب نوشتند و مرا دلال رابطه ایران و آمریکا خواندند! من افتخار میکنم که روی طرحی کار کردم که تندترین مخالفان آن امروز به همان نتیجه رسیده‌اند. همانها صحبت از فرصت‌های از دست رفته میکنند و برای رابطه با آمریکا حاضر به دادن همه جور امتیازی هستند که شاید دیر شده باشد. از سه هفته گذشته دوباره در رسانه‌های آمریکا بحث سلاح‌های کشتار جمعی، دخالت ایران در انفجار مقر امریکاییها در عربستان سعودی، حمایت از القاعده و ... براه افتاده و شواهد نشان میدهد که فرصت ایران برای صلح دارد هر لحظه کمتر میشود.

شما در این شرایط هنوز به برقراری ارتباط امیدوارید؟

بلی حتما. اگر قبلا معضل رابطه ایران و امریکا با جنبش اجتماعی ایران گره خورده بود که حل یکی بدون دیگری امکان نداشت، الان دیگر بحث بقا و بکارچگی شورمان هم مطرح است. بحث جنگ یا صلح با امریکا، بحث دمکراسی و زندگی ماست. نمیتوانیم به سادگی از آن بگذریم یا آن را مشروط به اجازه فلان شخص بکنیم. از طرف دیگر اعتقاد راسخ دارم که صلح بین ایران و امریکا بیشتر به نفع رشد دمکراسی در ایران است تا جنگ. تجربه ۲۵ سال گذشته نشان داده که امریکا برای ایجاد دمکراسی در کشورهای دیکتاتوری از طریق روابط دیپلماتیک و مشروط بیشتر موفق بوده تا از طریق جنگ و تحریم. برای مثال کره جنوبی، تایوان و شیلی کشورهای دیکتاتورزده‌ای بودند که امروز حکومت‌های دمکراتیک دارند و در مقابل کوبا، لیبی و ایران با اینکه دائما زیر فشار و تحریم امریکا بوده‌اند هنوز به دمکراسی گذار نکرده‌اند.

اخبار حاکی از آن است که چند گروه از درون حکومت ایران با امریکا در حال مذاکره هستند. شما از چند و چون این صحبت‌ها آگاهی دارید؟

بلی خبرها را می‌شنویم. مهمترین آنها کانال وزارت امور خارجه است ولی کانالهای دیگری هم در تلاش برای نزدیکی به امریکا هستند. البته وقتی می‌گوییم که وزارت امور خارجه ایران با وزارت امور خارجه امریکا در حال چانه‌زنی است یعنی آقای خامنه‌ای در این میدان است. امکان ندارد بدون اجازه او گفتگویی از کانالهای رسمی با امریکا انجام شود.

چگونه محافظه کاران حاضر به مذاکره صلح با امریکا شدند؟

آنها میدانند که دیگر شانس تداوم وضعیت سابق را با امریکا ندارند و باید بین جنگ و صلح یکی را انتخاب کنند. محافظه کاران علیرغم میل باطنی‌شان به سوی صلح پیش می‌روند اما صلحی که میتواند شرایط ناگواری را بر ایران تحمیل کند. عکس‌العمل‌های جناح راست نسنجیده و از روی دستپاچی است. همین برخورد آنها را در رابطه با تهدیدات امریکا ببینید. حاضر به تسلیم در مقابل امریکاییها هستند تا اقتدار خود را حفظ کنند. علنا می‌گویند ما ترجیح می‌دهیم به امریکاییها ببازیم تا به اصلاح طلبها! استدلالشان هم این است که امریکاییها می‌گذارند ما باقی بمانیم ولی اصلاح طلبان اگر به قدرت برسند بلاهایی را که در این مدت به سرشان آورده‌ایم، تلافی خواهند کرد!

آیا به نظر شما امریکا با محافظه کاران ایران کنار خواهد آمد؟

احتمالش بسیار کم است. رابطه ایران و امریکا با حرکت دمکراسی در ایران گره خورده، حتی بدون اینکه

امریکا بخواهد.

از ماه گذشته تا کنون شاهد بمباران خبری و منفی ایران از طرف رسانه های تحت کنترل امریکایی-اسرائیلی هستیم که میخواهند افکار عمومی را برای حمله به ایران آماده کنند. ظاهراً حمله امریکا به ایران جدی است، نظر شما در مورد جنگ چیست؟

من با جنگ به شدت مخالفم. حمله امریکا به ایران باعث ویرانی کشور میشود و روند توسعه ایران را حداقل صد سال به عقب میاندازد. مسئله اصلی ایران دموکراسی و جدایی دین از دولت است که میتواند از طریق تعویض قانون اساسی و انتخابات آزاد صورت بگیرد. احتیاجی به حمله نظامی امریکا و ویرانی شهرها و کشتار مردم نیست. حتی در میان مخالفان جمهوری اسلامی نیز جز افراد معدودی نظیر آقایان رجوی و رضا پهلوی هیچکس راضی به حمله نظامی امریکا به ایران نیست. اتفاقاً برایم خیلی مهم است که سلطنت طلبها این سوال مرا پاسخ دهند که چرا مواضع آنها در رابطه با مذاکره بین ایران و امریکا دقیقاً هماهنگ و همسو با مواضع خشن ترین جناح حکومت است. چرا کیهان سلطنت طلب و کیهان ولایت طلب هردو در این مورد یک حرف میزنند و میخواهند رابطه ایران و امریکا بهبود که پیدا نکند هیچ، به جنگ بکشد. حالا این جریان تصادفی است یا موضوعی است هماهنگ شده، خود بحث مفصلی است. من در ملاقاتی که با آقای رضا پهلوی داشتم در همین زمینه به ایشان هشدار دادم ولی متأسفانه توجه نکرد. از آن پس هم همچنان دارد همان راه بی بازگشت را ادامه میدهد و برای رسیدن به قدرت به هردی میزند. دقیقاً اتفاقی که بین صدام و رجوی افتاد اکنون بین رضا پهلوی و شارون در جریان است. نیروهای سلطنت طلب نیز مانند مجاهدین دارند به بیراهه کشیده میشوند. با توجه به همین دلایل این نوع از فعالیت های رضا پهلوی به صلاح منافع ملی ایران نیست. حمایت امریکا و اسراییل از او و امی است که باید بعداً پس داده شود. به محض رسیدن به قدرت ناچار است که مطیع اوامر خارجیها باشد و ایران را از لحاظ نظامی و ملی ضعیف نگاه دارد. من عمیقاً اعتقاد دارم همه گروهها یا افرادی که از حمله نظامی امریکا به ایران حمایت میکنند به منافع ملی ایران لطمه میزنند و خیانت میکنند. جاسوسهایی که اخبار ساختن بمب اتمی یا دیگر تسلیحات ایران را به امریکاییها میروانند، خوب میدانند که نتیجه این حرفها بمباران نیروگاه های اتمی و مراکز استراتژیک ایران است که میلیاردها دلار هزینه آنها شده و سرمایه ملی ایران به حساب میآیند. دشمنان منافع ملی ما از خودمان هستند.

ولی طرفداران حمله نظامی امریکا به ایران میگویند که نتیجه جنگ برای ایران دموکراسی خواهد بود؟
این استدلال را محافظه کاران جدید کاخ سفید نیز میکنند، میگویند ما میرویم و فلان کشور را میزنیم، اگر از ویرانه ها دموکراسی بیرون آمد خوشا بحال آنها، اگر هم نه که ما به هر حال به هدف خود رسیده ایم! همه میدانیم که امریکاییها در خاورمیانه بدنبال دموکراسی نیستند. امریکا تاکنون برای هیچ

کشوری با جنگ دمکراسی نیاورده که ایران دومی باشد. آنها بدنبال منافع خود هستند و در مورد ایران با اسراییلیها و برخی از کشورهای منطقه هم عقیده هستند که ایران باید ضعیف شود. برعکس آنچه گفته میشود آمریکا و اسراییل با حکومت ایران مشکل ندارند. مشکل آنها با قدرت ایران است، یک ایران متحد و قوی که مطیع آنها نباشد، آنها را بیش از هرچیز دیگری نگران میکند. ولی جامعه ایران جامعه‌ای زنده و پویاست. من ایمان دارم که این جامعه بخودی خود میتواند به دمکراسی برسد و نیازی به دخالت نظامی آمریکا نیست. جنگ با آمریکا ما را حداقل ۱۰۰ سال به عقب خواهد برد. همانطور که اکنون عراق به قرن ۱۷ برگشته است. کدام ایرانی وطن پرستی راضی است که این وضع برای ایران نیز تکرار شود؟ نتیجه حمله آمریکا به ایران فروپاشی ایران را در پی خواهد داشت. هم اکنون زمزمه تجزیه و جدایی برخی از اقوام ایرانی در میان است. هر حرکت ناپخته و نسنجیده میتواند تمایل تجزیه را افزایش دهد.

شما برای مشکلات امروز ایران چه راه حلی پیشنهاد میکنید؟

اصلی ترین نیازهای امروز ایران دمکراسی، عدالت اجتماعی و صلح با آمریکا است. دمکراسی هم نه با جنگ بلکه با انسانهای دمکرات بوجود میآید. دمکراسی باید درونی و خودجوش باشد. ما باید قوانین بازی دمکراسی را یاد بگیریم و به آن عمل کنیم. فکر میکنم بهترین و سریعترین راه برای مقابله با حمله احتمالی آمریکا ایجاد وفاق ملی بین ایرانیان داخل و خارج بر سر ایجاد یک «جمهوری» است. البته همین جمهوری اسلامی هم قابل تبدیل به جمهوری دمکراتیک است. مشکل فعلی تئوکراسی است که با حذف ولایت فقیه از قانون اساسی قابل حل است. با بازنویسی قانون اساسی شورای نگهبان، ولایت فقیه و ... خیلی راحت برداشته میشوند. شورای تشخیص مصلحت نظام مثلا میتواند تبدیل به مجلس سنای انتخابی بشود. این تغییرات هم در تئوری و هم در عمل انجام پذیر هستند. من شخصا طرفدار جمهوری و سوسیال دمکراسی هستم. جناح راست باید یا به میل خود فضای سیاسی کشور را باز کند، یا اینکه مردم آن را مجبور به کناره گیری خواهند کرد. راه دمکراسی در ایران از طریق آشتی ملی و ایجاد یک دولت ائتلافی است. دولتی که در آن خبری از اعدام‌های سیاسی و مصادره اموال نباشد و یکبار برای همیشه به تغییرات خونین سیاسی در تاریخ ایران پایان دهد. تنها از این طریق همه نیروهای دمکراتیک و آزادیخواه چه در داخل و چه خارج میتوانند وارد صحنه رقابت انتخاباتی شوند و دولت تشکیل دهند. اصلاح طلبان، سلطنت طلبها، مجاهدین، نیروهای مذهبی و ... هم میتوانند شانس خود را در انتخابات آزمایش کنند. بهتر است همه ما خیلی سریع به این نتیجه گیری برسیم که تغییرات سریع و صلح آمیز بهتر از این است که کشورمان به دست ژنرالهای آمریکایی بیفتد، آنها ایران را نکه پاره خواهند کرد. فرصت صلح هم دارد به سرعت از دست میرود. من عمیقا به صلح اعتقاد دارم. در نهایت امیدوارم که هرچه برای ایران و مردم ایران خوب است اتفاق بیفتد.

آقای دکتر امیراحمدی از فرصتی که برای این گفتگو ایجاد کردید از شما تشکر میکنیم.